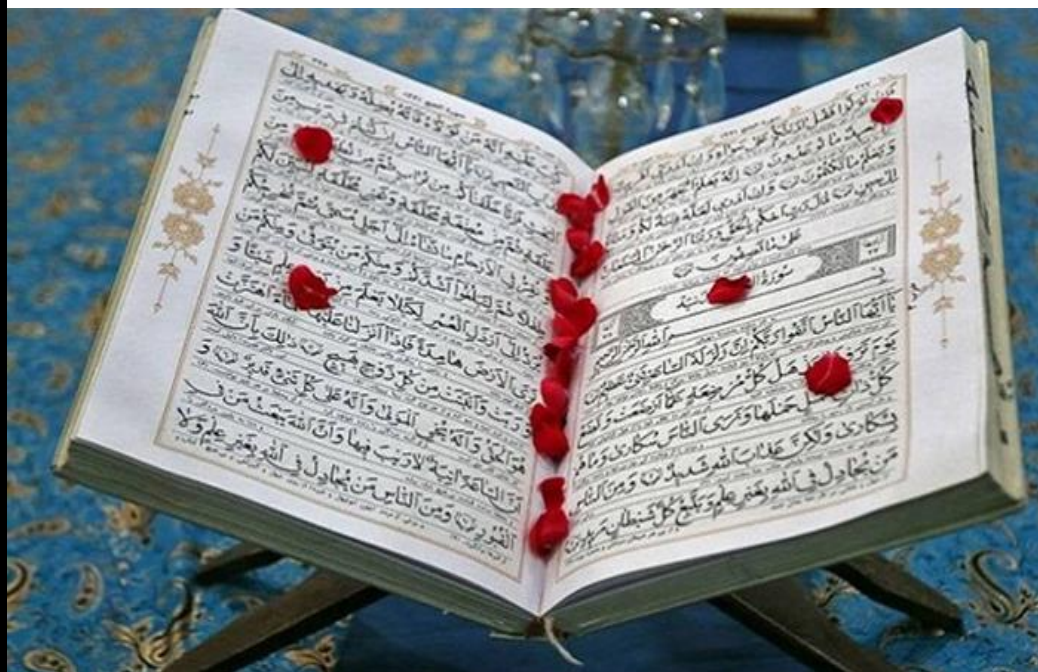


## بسم الله الرحمن الرحيم

### نکات کلیدی و تفسیری جزء دهم قرآن کریم



#### آیه ای که خمس را واجب

کرد

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ  
فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَ  
لِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ  
الْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ

(۴۱- انفال)

اولین آیه جزء دهم آیه ای است که وجوب پرداخت خمس را این گونه اعلام می کند: بدانید هر غنیمتی که نصیب شما می شود یک پنجم آن، از آن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و ذی القربی (امامان اهل بیت علیهم السلام) و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از خاندان پیامبر خدا پیامبر صلی الله علیه و آله) می باشد.

اینکه مفسران شیعه ذی القربی را منحصر در امامان معصوم علیهم السلام و سه گروه آخر را مختص بنی هاشم و سادات می دانند بر اساس روایات معتبری است که اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است. (۱) چرا که بر اساس حدیث ثقلین که منبع اسلام را قرآن و اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند؛ اسلام منحصر در قرآن نیست بلکه حکم و سخنی را می توان به اسلام استناد داد که برآیند قرآن و عترت باشد .

لازم به ذکر است که اهل سنت برخلاف ظاهر آیه (۲) که غنیمت را به صورت مطلق آورده است، خمس را مختص به غنائم جنگی می دانند که برای اطلاع بیشتر از این بحث می توان به بحث های مطرح شده ذیل این آیه و نیز کتاب های فقهی مراجعه کرد.

در ابتدا خدا نعمت های مادی و معنوی خویش را به تمام ملت ها عطا می کند؛ چنانچه آن ها نعمت های الهی را وسیله ای برای تکامل خویش ساختند و از آن در مسیر حق مدد گرفتند و شکر آن را که همان استفاده صحیح است بجا آوردند؛ نعمتش را پایدار بلکه افزون می سازد؛ اما هنگامی که این مواهب وسیله ای برای طغیان و سرکشی و ظلم و تبعیض و ناسپاسی و غرور

و آلودگی گردد در این هنگام نعمت‌ها را می‌گیرد و یا آن را تبدیل به بلا و مصیبت می‌کند؛ بنابراین دگرگونی نعمت‌ها همواره از ناحیه ماست و گرنه مواهب الهی از بین رفتنی نیستند.

### سرنوشت انسان به دست و اختیار خودش رقم می‌خورد

أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۚ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۳- انفال)

نعمتی را که خداوند به جامعه و ملتی عطا می‌کند کم یا نابود نمی‌کند مگر آنکه خود قدرش ندانند و آن را از دست بدهند.

به تعبیر دیگر فیض خدا بیکران و همگانی است ولی به تناسب شایستگی‌ها و لیاقت‌ها به مردم می‌رسد. در ابتدا خدا نعمت‌های مادی و معنوی خویش را به تمام ملت‌ها عطا می‌کند؛ چنانچه آن‌ها نعمت‌های الهی را وسیله‌ای برای تکامل خویش ساختند و از آن در مسیر حق مدد گرفتند و شکر آن را که همان استفاده صحیح است بجا آوردند؛ نعمتش را پایدار بلکه افزون می‌سازد؛ اما هنگامی که این مواهب وسیله‌ای برای طغیان و سرکشی و ظلم و تبعیض و ناسپاسی و غرور و آلودگی گردد در این هنگام نعمت‌ها را می‌گیرد و یا آن را تبدیل به بلا و مصیبت می‌کند؛ بنابراین دگرگونی نعمت‌ها همواره از ناحیه ماست و گرنه مواهب الهی از بین رفتنی نیستند. ۳۰

که منبع اسلام را قرآن و اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کند؛ اسلام منحصر در قرآن نیست بلکه حکم و سخنی را می‌توان به اسلام استناد داد که برآیند قرآن و عترت باشد

### در برابر کسانی که به هیچ قراردادی پایبند نیستند محکم بایستید

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (۱۲- توبه)

زندگی مسلمت آمیز در کنار تمام انسان‌ها از قوانین بین‌المللی قرآن است (۴) اما اگر عده‌ای که معمولاً سران یک کشور و ملتند به هیچ یک از قراردادهایی که با حکومت اسلامی بسته‌اند پایبند نبودند آنگاه قرآن که مدافع عزت و شرف انسان‌های با خداست دستور مقابله جدی با آن‌ها را می‌دهد.

دستور اول: تا زمانی که آن‌ها به قراردادهایی که با شما بسته‌اند پایبند بودند شما هم پایبند باشید؛ «فَمَا اسْتَقْمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» ۵

دستور دوم: اگر آن‌ها هم چنان به پیمان شکنی خود ادامه دادند و عهد خود را زیر پا گذاشتند و آئین شما را مورد مذمت قرار داده و به تبلیغات سوء خود ادامه دادند؛ شما با رهبران این گروه کافر پیکار کنید؛ زیرا آن‌ها ارزشی برای قرارداد قائل نیستند. تا شاید به این شدت عملی که شما به خرج می‌دهید از کار خود پشیمان شوند و دست بردارند.

### کاری که خدا با سرمایه داران بی درد خواهد کرد

الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴) يَوْمَ يَحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵- توبه)

کسانی که زر اندوزی می‌کنند و از انفاق اموال خود به نیازمندان واقعی امتناع می‌ورزند در این آیات به عذابی سخت تهدید شده‌اند. عذابی که در آن این سکه‌هل را در آتش سوزان دوزخ، داغ و گداخته می‌کنند و پیشانی و پهلوی و پشتشان را با آن داغ خواهند کرد و در همین حال فرشتگان عذاب به آن‌ها می‌گویند: این همان چیزی است که برای خود جمع کردید و به صورت اندوخته در آوردید و آن را در راه خدا به محرومان انفاق نکردید اکنون بچشید آنچه را برای خود اندوختید و عواقب شوم آن را دریابید.

اما چرا از میان تمام اعضاء بدن تنها پیشانی و پشت و پهلوی را می‌سوزانند برای این است که آن‌ها با این سه عضو در مقابل محرومان عکس‌العمل نشان می‌دادند: گاهی صورت را در هم می‌کشیدند و زمانی به علامت بی‌اعتنایی از روبرو شدن با آن‌ها خود داری می‌کردند و منحرف می‌شدند و گاهی به آنان پشت می‌نمودند؛ لذا این سه نقطه از بدن آن‌ها را با اندوخته‌هایشان داغ می‌کنند) ۶۰.

چرا از میان تمام اعضاء بدن تنها پیشانی و پشت و پهلوی را می‌سوزانند برای این است که آن‌ها با این سه عضو در مقابل محرومان عکس‌العمل نشان می‌دادند: گاهی صورت را در هم می‌کشیدند و زمانی به علامت بی‌اعتنایی از روبرو شدن با آن‌ها خود داری می‌کردند و منحرف می‌شدند و گاهی به آنان پشت می‌نمودند؛ لذا این سه نقطه از بدن آن‌ها را با اندوخته‌هایشان داغ می‌کنند

#### آیه‌ای که مصرف زکات را بیان می‌کند

إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَرَمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ  
فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶۰- توبه)

این آیه همان آیه‌ای است که فقها بعد اثبات اصل وجوب زکات (۷) با استناد به آن موارد وجوب پرداخت صدقات واجب (زکات مال و زکات فطر) را بیان می‌کنند.

آیه فوق به روشنی مصارف واقعی زکات را در هشت مصرف خلاصه می‌کند:

۱. فقرا ۲. مساکین ۳. جمع‌آوری کنندگان زکات ۴. کسانی که انگیزه معنوی نیرومندی برای پیشبرد اهداف اسلامی ندارند و با تشویق مالی می‌توان محبت آنان را جلب نمود. ۵. آزاد ساختن بردگان ۶. اداء دین بدهکاران و آن‌ها که بدون جرم و تقصیر زیر بار بدهکاری مانده و از ادای آن عاجز شده‌اند ۷. در راه خدا که منظور از آن تمام راه‌هایی است که به گسترش و تقویت آئین الهی منتهی شود؛ اعم از مسأله جهاد و تبلیغ و مانند آن ۸. مسافرانی که بر اثر علتی در راه مانده‌اند و پول یا وسیله کافی برای رسیدن به مقصد را ندارند) ۸۰.

#### بالا تر از بهشت

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۷۲- توبه)

در این آیه پس از آنکه خداوند متعال مؤمنین را به بهشت و نعمت‌های فوق‌العاده آن وعده می‌دهد اشاره‌ای هم به پاداشی فراتر از بهشت می‌کند و آن را فوز عظیم می‌خواند.

علامه طباطبایی با استفاده از سیاق آیه، جمله « وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ » را این‌گونه معنا می‌کند: خشنودی خدا از ایشان از همه این حرف‌ها بزرگ‌تر و ارزنده‌تر است.(۹۰)

هیچ‌کس نمی‌تواند آن لذت معنوی و احساس روحانی را که به خاطر توجه رضایت و خشنودی خدا به یک انسان دست می‌دهد را توصیف کند و به گفته بعضی از مفسران حتی گوشه‌ای از این لذت روحانی از تمام بهشت و نعمت‌های گوناگون و بی‌پایانش، برتر و بالاتر است؛ البته ما هیچ یک از نعمت‌های جهان دیگر را نمی‌توانیم در این قفس دنیا و زندگانی محدودش، در فکر خود ترسیم کنیم، تا چه رسد به این نعمت بزرگ روحانی و معنوی.(۱۰۰)

### وقتی که دعای پیامبر صلی الله علیه و آله هم اثر ندارد

اَسْتَغْفِرُ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ(۸۰- توبه)

بر اساس این آیه کسانی که منکر خدا و رسولش شدند و نسبت به احکام دین کفر ورزیدند؛ چه به صورت کفر علنی و چه به صورت نفاق و کفر پنهانی فاسقند و چون خدا فاسقان را هدایت نمی‌کند پس مغفرت که نوعی هدایت به بهشت است به هیچ عنوان شامل حال این‌ها نمی‌شود حتی اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارها و بارها برای آن‌ها طلب مغفرت کند باز هم تأثیری به حال آن‌ها نخواهد داشت.(۱۱۰)

قرآن می‌فرماید: اموال و فرزندان‌شان هیچ‌گاه نباید مایه اعجاب تو شود؛ چرا که به عکس آنچه مردم ظاهر بین خیال می‌کنند، این اموال و فرزندان نه تنها باعث خوشوقتی آن‌ها نیست، بلکه خداوند می‌خواهد آنان را به وسیله این‌ها در دنیا مجازات کند، و با حال کفر جان بدهند

در چهار آیه بعد پیامبرش را نهی می‌کند از اینکه بر منافقی نماز میت بخواند یا کنار قبرش ایستاده و برای او طلب آمرزش نماید. و این هم باز برای همان دلیل است که در این آیه هم آمده است که چون این‌ها فاسقند و فیض هدایت به هیچ عنوان شامل حال آن‌ها نمی‌شود. در حقیقت این نهی‌ها، منع از کاری لغو و بی نتیجه است.(۱۲۰)

### بعضی داشتن‌ها برای عذاب است

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ(۸۵- توبه)

یک تصور فراگیر و همیشگی و البته نادرست وجود دارد که چنین می‌پندارد: هر کس که بیش از دیگران دارد مورد عنایت ویژه پروردگارست به خصوص اگر ثروت و برو و بیای او خیره کننده باشد.

قرآن کریم در آیاتی مانند این آیه پندار فوق را هدف قرار داده و با خبر دادن از پشت پرده ماجرا از چنین تعجب کردن‌ها و شاید هم حسرت خوردن‌ها نهی می‌کند.

قرآن می‌فرماید: اموال و فرزندان‌شان هیچ‌گاه نباید مایه اعجاب تو شود؛ چرا که به عکس آنچه مردم ظاهر بین خیال می‌کنند، این اموال و فرزندان نه تنها باعث خوشوقتی آن‌ها نیست، بلکه خداوند می‌خواهد آنان را به وسیله این‌ها در دنیا مجازات کند، و با حال کفر جان بدهند. ۱۳.

پی نوشت‌ها:

(۱) نمونه ج ۷ ص ۱۷۴-۱۷۵

(۲) و از ظاهر آیه استفاده می‌شود که حکم مورد نظر مربوط به هر چیزی است که غنیمت شمرده شود، هر چند غنیمت جنگی نباشد، مانند استفاده‌های کسبی و مرواریدهایی که با غوص از دریا گرفته می‌شود و کشتی‌رانی و استخراج معادن و گنج. هر چند مورد نزول آیه غنیمت جنگی است و لیکن مورد مخصص نیست. المیزان ج ۹ ص ۹۱

(۳) نمونه ج ۷ ص ۲۰۷

(۴) آیه ۸ سوره ممتحنه

(۵) آیه ۷ سوره توبه

(۶) مجمع‌البیان ج ۵ ص ۴۱

(۷) آیه ۱۰۳ سوره توبه

(۸) نمونه ج ۸ ص ۵-۶

(۹) المیزان ج ۹ ص ۳۳۹

(۱۰) نمونه ج ۸ ص ۳۹

(۱۱) المیزان ج ۹ ص ۳۵۲

(۱۲) همان ص ۳۶۰

(۱۳) نمونه ج ۸ ص ۶۹

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش‌های غیرحضورى حوزه‌های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir/>